

کارگران سوسیالیست

شماره ۱۷

قیمت ۱۵ ریال — پنجشنبه ۳ بهمن ۱۳۵۹

سالگرد آنها و سالگرد ما

هیات حاکم خود پنی از نتایج بالا رفتن آگاهی مبارزات و سطح مبارزات زحمتکشان است.

زحمتکشان به دعوت بنی صدر پاسخ مثبت دادند چون پاسخ مثبت خویش را نشانه‌ای از بیان مخالفت عمومی سیاست های حزب حاکم می دانستند. نشانه‌ای از بیگانگی مخالفت با دیکتاتوری، خودکامی، و سیاست های ورشکستهای که مملکت را بورژوا ناپودی نشانده است. روشن است که زحمتکشان می خواستند، و بدرستی می خواستند، سالگرد قیام بهمن ماه، مناسبتی باشد برای جمع بندی خیانت ها و جنایات هایی که در این دو سال تحت لوای انقلاب شکرهمند، بورژوا زحمتکشان اعمال شده است، و مناسبتی باشد برای اعلام آغاز مبارزهای پیگیر برای برجیدن این طغیان که برگلوی انقلاب افتاده است. و پاک کردن انقلاب از تمام کثافات که در این دو سال بیرون زده و خود را نشان داده است.

ولی بنی صدر در سخنرانی خود به خواست زحمتکشان پاسخ نگفت. او تنها دیدگاه طبقه حاکم، دیدگاه سرمایه داری داخلی و حامیان خارجی آن را بیان کرد. و اعلام کرد که امسال نه سال برجیدن و متلاشی کردن سیاست های ورشکسته و جنایت آمیز، برای حفظ سرمایه داری در حال ناپودی و تحویل آن بر کارگران، بلکه سال استقامت است! استقامت

روز چهارشنبه هفته گذشته شهروندان تهرانی به دعوت رئیس جمهور، به مناسبت سالگرد قیام بهمن ماه، در یک گرد هم آیی میلیونی، در میدان آزادی گرد آمدند و سالگرد قیام شکرهمند زحمتکشان ایران را گرامی داشتند. این مراسم، بعد از مراسم روز عاشورا اولین گرد هم آیی میلیونی بود که زیر پرچم هیات حاکم صورت گرفت. و علت اینکه هیات حاکم هنوز قادر است نزد یک به یک میلیون نفر را در تهران به زیر پرچم خود جمع کند اینست که پرچم را بدست آقای رئیس جمهور داده است. کسی که با بلند کردن پرچم آزادی خواهی (البته آزادی خواهی دروغین) و مبارزه با دیکتاتوری در حال حاضر توجه توده میلیونی را بسوی خود جلب کرده است. هیات حاکم خود از این مساله آگاه است. آگاهست که پرچم ضد امپریالیستی دروغین حزب جمهوری اسلامی دیگر برای همه افشاء شده است. و آن پرچم ننگین که تحت لوای آن سرکوب زحمتکشان ایران، و تمام جنایات هیات حاکم توجیه می شود. دیگر مورد نفرت عمومی است. هیات حاکم این را می داند. لغو سخنرانی حجت الاسلام رفسنجانی، به مناسبت ۲۲ بهمن بیانگر همین مطلب است. که مقاومت در داخل هیات حاکم در مقابل تشویق کودنی که می پندارند هنوز می توانند آن پرچم دروغین و ننگین را بجای پرچم مبارزات توده ها جا بزنند. افزایش یافته است. منزوی شدن قشریون در داخل

**سود ویژه و ضرورت گشودن دفاتر
دخول و خروج سرمایه داران**

**موروری بر
مساله طبقه بندی مشاغل**

آزادی زن، معیار آزادی جامعه

- عمل اسلامی سرمایه داری و اشتراکیت
- جبهه اسلامی یا جبهه متعصبان کلاسی؟
- چرا دولت جمهوری اسلامی
- اسناد سازمان را محفی می تند؟

حقایق تلخ دوران اخیر انقلاب، زحمتکشان ما را به این مسائل آگاه کرده است. آنها به ریشه بحران وقوف دارند و راه حل آن را نیز می‌دانند. برخلاف نظر آقای رئیس جمهور و سرمایه داران، که می‌خواهند سال آینده را به سال استقامت زحمتکشان در مقابل حملات سرمایه داری تبدیل کنند. زحمتکشان سومین سال انقلاب را به سال گسترش سازماندهی و مبارزات مستقل خود بر علیه سرمایه داری و بهره‌کشی، سال ریشه کن کردن سرمایه داری و ستون پنجم امپریالیزم در ایران یعنی سال استقلال واقعی ایران، سال سرنگون کردن سرمایه داری، دولت سرمایه و تمام ایادی آنها، سال استقرار حاکمیت زحمتکشان در جامعه، و سال انقلابی دیگر تبدیل خواهند کرد. اینست پیام زحمتکشان به مناسبت دومین سالگرد انقلاب، سال انقلابی دیگر، نه سال استقامت.

هر دو جناح هیات حاکمه، چه قشربون حزب جمهوری اسلامی، و چه لیبرال‌ها، از این احساسات زحمتکشان آگاهی دارند. آنها تمام کوشش خود با بکار بردن تا پیام زحمتکشان بنسبت دومین سالگرد قیام بهمن ماه منتشر نشود. بنی‌صدر "آزادی خواه" با حزب جمهوری اسلامی سازش کرد و امر تبلیغات و بسیج برای سالگرد قیام را بدست آنها سپرد. آنها نیز اعلام کردند که با هر ابراز وجود مستقلی (مستقل از برنامه هیات حاکم) مطابق مقررات زمان جنگ رفتار خواهند کرد. روزنامه انقلاب اسلامی، از قول دفتر ریاست جمهوری "آزادی خواه" اعلام کرد که التقاطیون متعایل به شرق (روشن است مقصود چیست؟) قصد سوء استفاده از مراسم سالگرد قیام را دارند، و به آنها هشدار داد. این آقایان آزادی خواه اعلام کردند هیچ اعلامیه و نشریه‌ای نباید میان مردم پخش شود.

و بدتر از همه اینکه سازمان مجاهدین خلق، و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران نیز بطور غیر مستقیم وارد این سازش شدند. مجاهدین بتقاضای روزنامه انقلاب اسلامی گردن نهادند و از بسیج برای شرکت در مراسم سالگرد ۲۲ بهمن، و پخش ویژه نامه خود و نظریات خود در میان زحمتکشان خود داری کردند. سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز که تنها با عکس آیت الله خمینی به میدان آمده بودند. مجموعه این شرایط باعث شد که پیام زحمتکشان نتواند پخش شود، و پیام سرمایه داران یکه تاز آن میدان شد.

ولی با همه این‌ها گرد هم آیی، آنطور که هیات حاکم انتظار داشت آرام، و بی‌سرو صدا انجام نگرفت، و پیام انقلابی دومین سالگرد قیام بهمن ماه بصورت شعارهای گسترده شرکت کنندگان بر علیه حزب جمهوری اسلامی، و رهبری آن در اواخر گرد هم آیی در میدان آزادی طنین انداز شد. و از آنجا جمعیت انبوهی با شعارهایی بر علیه حزب حاکم به سمت میدان انقلاب بحرکت درآمدند. و در میدان انقلاب به برخورد شدیدی میان تظاهرکننده و پاسداران حامی سرمایه دار صورت گرفت. نه تباری دو جناح هیات حاکم و نه سازش مجاهدین و فدائیان هیچ کدام نتوانستند مانع از ابراز پیام زحمتکشان در دومین سالگرد قیام بهمن ماه شوند.

در مقابل این سیاست‌ها، قشربون می‌گفتند صبر انقلابی داشته باشید. آقای بنی‌صدر می‌گویند استقامت کنید.

آقای بنی‌صدر در سخنرانی روز چهارشنبه خود بحران اقتصادی خانمان برانداز نیز اشاره‌هایی کرد. و اگرچه ارقام را تا حد زیادی، در جهت پنهان کردن عمق واقعی بحران، تعدیل کرده بود (نرخ تورم در ایران در حال حاضر ۳۵٪ نیست، بلکه از ۱۰۰٪ همتجاوز است. کاهش تولید پنبه ۳۰٪ درصد نیست از ۷۰٪ هم متجاوز است. واردات گندم فقط افزایش نداشته، چند برابر شده است!) و به بعضی از جوانب دهشتناک آن، مانند بیکاری اصلا اشاره نشد. ولی در هر صورت وجود بحران را برملا کرد. اوضاع از آن روزی که در صفحات تمام روزنامه‌ها و قیحه‌ها صحبت از رسیدن به خود کفایی می‌شد تغییر زیادی کرده است. هیات حاکم مجبور به اعتراف شده است. آقای بنی‌صدر در این اعتراف هیات حاکم پیشقدم شده و آن را بخد متافع سیاسی خود گرفته است. اینکه اعترافات بنی‌صدر بیشتر به منظور استفاده سیاسی بود و نه راه‌گشایی، کاملاً روشن است. بنی‌صدر وجود بحران را تأیید کرد. ولی به ریشه‌ها و علل واقعی ایجاد این بحران اشاره نکرد. بهمین دلیل نتیجه بحث او نه ارائه راه حل برای از میان بردن بحران، بلکه ضرورت استقامت زحمتکشان در مقابل آن بود. و این برای سرمایه‌داران برنامه‌های طلایی است. واقعا طلایی. سرمایه داران میدوشتند و زحمتکشان استقامت می‌کنند! چه از این بهتر؟ ولی پشت کوبیده زحمتکشان این برنامه طلایی را برهم خواهد ریخت. این را زحمتکشان در آخر گرد هم آیی چهارشنبه نشان دادند.

ولی زحمتکشان به روشنی از علل و ریشه‌های بحران اطلاع دارند. و می‌دانند که این باقی ماندن مناسبات سرمایه داری، و سیاست‌های هیات حاکم در حفظ سرمایه‌داری است که سرمنشأ بحران خانمانسوز کنونی است. کشاورزی مملکت از هم پاشیده چون در شرایط بحران انقلابی ادامه تولید سرمایه داری کشاورزی، یعنی تولید بخاطر سود و براساس بهره‌کشی دیگر ممکن نیست. و دولت نیز راه سازمان یافتن تولید تحت کنترل شوراهای دهقانی، سرنگون کردن سرمایه داری در روستاها و سازمان دادن تولید براساس مناسبات سوسیالیستی را مانع شده است. صنایع مملکت به رکود کشانده شد مانند چون ادامه تولید در کارخانه براساس شرایط سرمایه‌داری و بهره‌کشی غیرممکن باسخت دشوار شده است. و دولت مدافع سرمایه داری نیز مانع سرنگون کردن نظام بهره‌کشی سرمایه‌داری و سازمان یافتن تولید با برنامه تحت کنترل کارگران و زحمتکشان جامعه شده است. برای جلوگیری از بسیج زحمتکشان بر علیه سرمایه‌داری بحران زده و بحران‌زا است که دولت محیط سرکوب و خفقان را در مملکت حکمفرما ساخته است. سرکوب و خفقان وسیله‌ایست برای دفاع از سرمایه داران ورشکسته. و همین مجموعه شرایط بحران اقتصادی و خفقان سیاسی است که انقلاب ایران را به اینجا کشانده است.

”عدل اسلامی“ سرمایه داران را بشناسیم

سال ها است که مبلغین رژیم جمهوری اسلامی در باره ”عدل اسلامی“ افسانه پردازی می کنند . ولی حقایق رژیم جمهوری اسلامی ، چهره کریه آنچه را که اینها ”عدل اسلامی“ می نامند عریان کرده است .

”عدل اسلامی“ سرمایه دیزان قانون طبقات دارا است . عدالت برای مفتخورها و انگل های اجتماعی (سرمایه داران ، زمین داران بزرگ ، صاحب منصبان اداری و نظامی ، روحانیون و ...) و ظلم و بی عدالتی برای زحمتکشان و ستمدیدگان است . عدالت برای صاحبان قدرت و ثروت ، ظلم و بی عدالتی و ستم برای بی چیزان و ستمدیدگان است .

”عدل اسلامی“ سرمایه داران قانون حفظ نظام طبقاتی روابط بوسیده طبقاتی ، قانون مشروعیت بخشیدن به چپاول گری های سرمایه داران و طبقات دارا است . قانون توجیه و تثبیت تبعیض ، ستم و استثمار است .

نمونه های واقعی پیش از هر چیزی توهمات حامیان ساده لوح این نوع ”عدل اسلامی“ را درهم می شکند .

دادگاه های شرع ، مظهر ”عدل اسلامی“ سرمایه داران هستند . احکام ضد انسانی حاکمین شرع بر کسی پوشیده نیست . دادگاه های خلخالی ، جلاد جمهوری اسلامی بهترین نمونه این ”عدل و داد“ را به نمایش می گذارند . دادگاههایی که در آن جامیان ثروت با دادن رشوه از مجازات فرار می کنند و حاکمین شرع با پرونده سازی جیب های گشاد خود با بر می کنند دادگاه هایی که در آن زحمتکشان ، ستمدیدگان و مبارزین راه آزادی از ابتدایی ترین حقوق يك متهم برخوردار نیستند . دادگاه هایی که در آن حاکم شرع بدون شنیدن دفاعیات متهم ، بدون خواندن حتی يك برگ از پرونده حکم اعدام را صادر می کند .

”عدل اسلامی“ سرمایه داران دستگیری بی گناهان ، اعدام بی گناهان و ایجاد جنجال بدور آن ، جهت تبلیغ برای جناب خلخالی است .

منطق این ”عدل اسلامی“ وحشی گری و ایجاد میحتک ارباب ، ترور و خفقان است . مدافعین نظام بوسیده سرمایه داری برای حفظ نظام خود وحشی گری را به اوج خود رساند مانند شکنجه ، سنگسار کردن ، شلاق زدن نمونه های از وحشی گری سرمایه داری بوسیده و ورشکسته ایران است . آنها برای آنکه قانون طبقات دارا — قانونی که سلطه انگل ها و مفتخورها ، سلطه سرمایه داران و زمین داران بزرگ را بر توده های زحمتکش و ستمدیده باسداری می کند — اجرا شود ، مجازات های وحشیانه وضع می کنند . مجازات هایی که هیچ کس از ترس آنها ، جرأت درهم شکستن قانون طبقاتی را به خود راه ندهد . منطق این ”عدالت“ منطق زور ، ترور ، ارباب و خفقان است .

رژیم جمهوری اسلامی مدعی اجرای ”عدل اسلامی“ است . ”عدل اسلامی“ سرمایه داران را باید در زندان های رژیم

دید . در زندانهایی که شکنجه گرانش در پناه ”عدل اسلامی“ آن بر زندگی و سرنوشت زندانیان حاکم هستند .

”عدل اسلامی“ سرمایه داران را باید در مجرایان اسلام ، دسته های اوباش چماق دار جستجو کرد . چماقدارنی که در پناه حمایت سردمداران حکومتی ، از نظام طبقاتی دفاع می کنند .

لایحه ”قصاص“ کاملاً چهره کریه این ”عدل و داد“ را به نمایش می گذارد . لایحه ”قصاص“ در ۸۰ ماده توسط بزرگترین متفکرین (!!!) رژیم سرمایه داری ، توسط ققهایی عالیقدر و عالی مقام شورای عالی قضایی تدوین شده است و به تصویب هیئت دولت نیز رسیده است . در تک تک مواد لایحه ”قصاص“ ترکیب کاملی از وحشی گری ، پوسیدگی ، ارتجاع ، ظلم ، ستم ، تبعیض و استثمار انباشته شده است . توضیح چند نمونه کافی است .

ماده ۱۶ — ”هرگاه پدر یا جد پدری فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود بلکه باید دیه قتل را به ورثه“ مقتول بدهد .

حفظ سلطه طبقات دارا در جامعه طبقاتی تنها با سرکوب و عصیان زحمتکشان و ستمدیدگان ممکن است . جامعه ”طبقاتی“ به خانواده ” پدر سالاری“ جهت سرکوب عصیان جوانان نیاز دارد . حتی تا سرحد قتل فرزندان توسط پدر یا جد پدری .

ماده ۱۸ — ”هرگاه عاقل دیوانه ای را بکشد قضایا نمی شود بلکه ، باید دیه قتل را به ورثه“ مقتول بدهد .

”عدل اسلامی“ سرمایه داران جواز قتل دیوانگان را به جامعه می دهد . در جامعه ای که ارزش ها در آن توسط قوانین کور بازار تعیین می شوند ، در جامعه ای که همه چیز نیروی کار انسانی به کالا تبدیل می شود ، دیوانگان ”کالایی“ بی ارزشند و واجب القتل (!؟) این عدالت جامعه ”سرمایه داری“ است .

ماده ۲۳ — ”قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد ، پس اگر مستحق قتل باشد مانند کسی که به پیامبر اکرم (ص) یا ائمه اطهار (ع) یا حضرت زهرا (ع) دشنام دهد یا کسی که به حریم انسان تهاجم نموده و دفع آن جز با قتل میسر نشود یا آنکه شوهر کسی را در حال زنا با زن خود ببیند که کشتن هر دو آنها برای شوهر جایز است و در همه“ این موارد قصاص قاتل جایز نیست .

در این نوع ”عدل اسلامی“ جواز قتل به آسانی بدست می آید . زمانی که سرمایه داری به دلایل سیاسی مانع گسترش مبارزات توده های قادر نیست مستقیماً مبارزات توده ها را سرکوب کند و از نیروهای سرکوب دولتی برای به عقب راندن مبارزات توده های استفاده کند ، به بسیج دسته های اوباش و

آخرین نمونه این "عدل اسلامی" در محاکمه امیرانی مدیر مجله خواندنی ها به ظهور رسیده است. یکی از اتهامات امیرانی که قتل او را هم واجب می کند تفتین است. تفتین به اصطلاح آخوندی یعنی ایجاد فتنه. قوانین گشادار و قابل تفسیر "عدل اسلامی" سرمایه داران چنان تدوین شده اند که حاکمین شرع می توانند به هر صورتی که میشلشان بکشید از آنها استفاده کنند. از نمونه های این گونه قوانین "فساد در ارض"، "بحاربه با خدا" و اخیراً "تفتین" است که حاکم شرع با استفاده بر آنها می تواند بنا به تشخیص خود آنها علیه هرکسی که می خواهد بکارگیرد. چنانکه بسیاری از مبارزین جنبش خلق کرد، بسیاری از آزادی خواهان و بسیاری از مبارزین جنبش کارگری تاکنون بنا بر همین قوانین "عدل اسلامی" به جوخه اعدام سپرده شده اند. لیه تیز قانون "تفتین" کردن کلیه کارگران زحمتکشان و ستم دیدگان جامعه را نشانه گرفته است. قانون تفتین سلاحی است که رژیم سرمایه داری آنها برای متلاشی کردن جنبش متشکسل طبقه کارگر بکار خواهد گرفت.

از نظر طبقات دارا، مبارزه طبقه کارگر علیه نظام پوسیده سرمایه داری ایجاد فتنه علیه نظم سرمایه است. دعوت کارگران به اتحاد و تشکل در شوراها، کارگری، دعوت کارگران به تشکیل مجامع عمومی شورای کارخانه، دعوت کارگران به اعتراض علیه قلمرو منشی های عدولت و "ارغریا" سازمان های مبارزه طبقاتی، ایجاد فتنه علیه نظام استثمار سرمایه داری است. قانون "تفتین" هرگونه مبارزهای را علیه استبداد خود کامگان حاکم، علیه ستم و استبداد غیرقانونی می کند و مبارزین را بعنوان "فتنه گران" به جوخه اعدام می سپارد.

"عدل اسلامی" سرمایه داران عدالت برای طبقات دارا و ظلموستم برای زحمتکشان و ستم دیدگان است. نمایش وحشی گری سرمایه داری پوسیده و ورشکسته است. قانون پوسیدگی و ارتجاع قرون وسطایی است. این ترانین لکه ننگی بر انقلاب زحمتکشان و ستم دیدگان ایران است. این لکه ننگ پوسیدگی و ارتجاع قرون وسطایی توسط مبارزات کارگران، زحمتکشان و ستم دیدگان جامعه باید پاک شود.

حاکمیت روحانیت خیر، حاکمیت مردم آری.
لغو فوری کلیه قوانین و مجازات های شرعی.
انحلال فوری دادگاه های شرع.
رعایت کلیه حقوق متهمین، برای دادگاه های علمنی، با حضور هیئت منصفه و حق حضور وکیل مدافع و حق استیناف بر اساس قوانین تدوین شده توسط زحمتکشان

چاقوکش روی می آورد. از دسته های اوباش برای درهم شکستن اعتصابات کارگری و برهم زدن تظاهرات و تجمعات تودهای استفاده می کند. بسیج چماقداران توسط سردمداران جمهوری اسلامی نیز از ناتوانی دولت سرمایه داری در سرکوب مستقیم توده ها ناشی می شود. ولی دولت جمهوری اسلامی اولین رژیم سرمایه داری است که چماقداری و چاقوکشی توسط لایحه قصاص قانونی می کند.

بنا بر ماده ۲۳ قانون قصاص، زندگی و سرنوشت مردم کاملاً در دست حاکمین شرع قرار می گیرد. کافی است که حاکم شرع کسی را مستحق کشته شدن بداند و اعلام کند که فلان شخص یا فلان گروه کافر هستند و واجب القتل. همانطور که حکم قتل شرعی "مجاهدین" و "مارکسیست ها" از طرف بسیاری از "آیات اعظام" و غیر اعظام صادر شده است. در این رقم "عدل اسلامی" به آسانی به شوهرسران جواز قتل زنان را نیز می دهند. این قانون قرون وسطایی بخوبی ماهیت "عدل اسلامی" سرمایه داران را به نمایش می گذارند.

ماده ۴۵ - "قتل عمدی موجب قصاص است لکن بسا رضایت ولی دم و قاتل بقدر دبه یا به مبلغی کمتر از آن بسا زیادتر از آن تبدیل می شود پس نه ولی دم حق دارد بتنهایی قصاص را به دبه تبدیل نماید و نه قاتل".

این حقیقت صریحاً جامعه طبقاتی است. یک قانون برای طبقات دارا و قانونی دیگر برای زحمتکشان و ستم دیدگان جامعه؟! آیا ماده ۴۵ لایحه قصاص جواز قتل به دست ثروتمندان نمی دهد؟ آیا این لایحه جواز قتل برای صاحبان قدرت و دستگاه های تروریستی و ارتاب حکومتی صادر نمی کند؟ عدل طبقاتی به طبقه حاکم اجازه قتل می دهد. به آنها اجازه می دهد که با ارتاب یا تطبیح رضایت (!؟) خانواده مقتول را جلب کنند و از مجازات قتل فرار کنند.

ماده ۴۶ - "هرگاه مردی زنی را به قتل رساند ولی دم مخیر است بین قصاص یا پرداخت نصف دبه کامل به قاتل و بین مطالبه دبه زن از قاتل".

در این ورطه عدل و داد تحقیر شخصیت انسانی زنان تا آنجا پیش می رود که ارزش زندگی زنان نصف ارزش زندگی مردان محسوب می شود. "عدل اسلامی" سرمایه داران بر پایه آن تفکر ارتجاعی و پوسیده ای بنا شده است که زنان را "ناقص العقل" و بدون هیچ گونه حقوقی در جامعه قلمداد می کند.

خروج فوری و بدون قید و شرط نیر و پهلای
نظامی و پاسداران از گروستان

آزادی زن معیار آزادی جامعه

حملات ارتجاعی رژیم حاکم، برخوردار نبودند. روز جهانی زن، ۱۲ سفند ۱۳۵۷ را به تظاهرات وسیعی بر علیه ستم کشیدگی زن در ایران تبدیل نمودند. این تظاهرات در وهله اول به سبب نشینی دولت موقت انجامید. اما حملات هیات حاکم پامیان نیز پرفته بود و چنانچه در این دو سال شاهد بودیم هر روز وسعت بیشتری بخود گرفت.

قوتهاست که زنان، بیعی از جامعه، تحت بیشترین ستمها، از زندگی ای که شایسته هر انسان آزاده ایست محروم بوده اند. رژیم سرمایه داری نیز، برای حفظ موجودیت خود نیازمند حفظ و تشدید این نابرابری ها در جامعه است. آنها به کار بدون مزد زنان در خانه نیاز دارند. آنها به زنان نیاز دارند که کارگران آینده را بدون آنکه دولت سرمایه هیچ هزینه ای بپردازد، تربیت کنند تا با بهم چرخهای کارخانه های آنان بچرخش خود ادامه دهد. علاوه بر این سرمایه داری در دوران شکوفایی خود نیاز به کار این خیل عظیم نیروی کار دارد. و بدین ترتیب در عصر سرمایه داری بخش وسیعی از زنان به اشتغال در کارخانه و کار در دستگاهاهی دولت سرمایه پرداختند. سرمایه داری از طریق تحمیل ستم های بیش از حد به آنان، استخدام آنان در کارهای ساده و نیشانی، پرداخت حقوقی خیلی کمتر از کارگران مرد به آنان و ایجاد هر نوع تبعیض ممکن بر علیه زنان همواره سعی کرده است که دستمزدهای کارگر را پایین نگه دارد. در مواقع بحرانی، چنانکه اکنون هم در ایران مشاهده میکنیم، سرمایه داری حملات خود به طئه کارگر را از ستدیده ترین لایه های آن آغاز می کند و زنان جزو اولین اخراجیها از کارخانه می باشند.

سرمایه داری همواره سعی دارد با استفاده از عقاید مذهبی و سنتی کارگران، بین طبقه کارگر تفرقه بیاکند و نگذارد که آنها متحداً مبارزات خود علیه سرمایه را به پیش برند. ستمی که به کارگران زن وارد می شود، ستمی است به کل طبقه کارگر. طبقه کارگر باید آگاهانه علیه این توطئه ها می که برای تفرقه اندازی در صف واحد مبارزاتی او می شود ایستادگی کند.

مبارزات زنان برای رهائی از زندگی سختی که دارند، به مثابه بخشی از مبارزات زحمتکشان برای رفع نابرابری ها در جامعه به حاکمیت سرمایه ضربه می زند بدین دلیل رژیم سرمایه به هر نحوه میتواند سعی در سرکوب این مبارزات و جد اجلوه دادن آن از مبارزات سایر زحمتکشان خواهد داشت.

دولت جمهوری اسلامی بده ریج همراه با تشدید حملاتش به سایر ستمییدگان و زحمتکشان جامعه - حمله به کردستان، به خون کشیدن تظاهرات بیکاران - و تشدید جو ازاب و خفقان در جامعه که با مسرویت نشوینات مترقی در تابستان گذشته آفتاباز گشت. حمله خود را به حقوق زنان نیز گسترش داد. رژیم سبب استفاده از رادیو و تلویزیون، تریبون نماز جمعه و سایر مختلف

زنان زحمتکش یکی از ستدیده ترین اقشار زحمتکشان جامعه ما هستند. و دقیقاً به همین دلیل فشار حملات پیاپی دولت جمهوری اسلامی به حقوق زحمتکشان بیشتر بر دوش آنها سنگینی می کند. در جامعه سرمایه داری اقشاری که بیش از بقیه مورد ستم و تبعیض هستند، در شرایط بحرانی نیز بیش از بقیه مورد حمله قرار می گیرند. وقتی می خواهند سخته دستزدها و آنها را انتخاب می کنند، وقتی می خواهند سخته دستزدها و خدمات را بزنند اول آنها را انتخاب می کنند. این منطق سرمایه داری بحران زده برای پیشبرد حملات خود بر علیه زحمتکشان است. امروز ابتدائی ترین حقوق زنان ایران، مخصوصاً زنان زحمتکش هدف شد بدترین حمله های دولت سرمایه داری ایران قرار گرفته است. امروز بیش از هر زمان ضرورت مبارزه برای آزادی و مساوات زنان احساس می شود.

زنان از ابتدا نقش بنیادین مهمی در پیشبرد مبارزات توده ها علیه رژیم استبداد شاه ایفا نمودند. در طول مبارزات و تاسرنگونی رژیم پهلوی، توده های میلیونی زنان در تمام شهرهای ایران دوشادوش سایر زحمتکشان مبارزه را هرچه قدر تندتر به پیش می بردند. زنان کارگر، کارمند، معلم، محصل، خانه دار و... که در زمان شاه تحت بیشترین ستم های اجتماعی قرار داشتند، خواستار آزادی کامل و تساوی حقوقشان با مردان بودند. آنها بد رستی پیوند مبارزاتشان را با سایر ستمییدگان جامعه درک کرده بودند.

مبارزات توده ها به علت عدم رهبری انقلابی، چشم انداز و برنامه روشنی نداشت و در نبود این چشم انداز روشن و انقلابی توده ها پنداشتند که حکومت توحیدی اسلامی، که روحانیست و جدی آنها می داد، نابرابریها را از بین خواهد برد و آنها به خواسته هایشان دست خواهند یافت. روحانیت با استفاده از این توهمات و ناروشنی ها توانست رهبری خود را در مبارزه علیه شاه به توده ها تحمیل نماید و پس از سرنگونی رژیم شاه و استقرار جمهوری اسلامی، نیز بنام اسلام، بدفاع از حاکمیت سرمایه و پایمال کردن حقوق زحمتکشان بپردازد.

عدم وجود رهبری انقلابی توده های در سطح جامعه مانع از آن شد که زحمتکشان مبارزات خود را به مبارزه علیه سرمایه، سرچشمه اصلی تمام نابرابری های موجود در جامعه، تبدیل کنند. در طی این مبارزات، توده ها لزوم ساختن سازمانهای مستقل خود را برای پیشبرد مبارزاتشان تا احقاقی کامل خواسته هایشان درک نکردند. این مساله همچنانکه در مورد طبقه کارگر مطرح بوده، در مورد زنان نیز صدق داشت.

در اولین ماههای بعد از حاکمیت دولت سردان چندین حمله به ستدیده ترین بخش های جامعه آغاز گشت. هنوز یک یک ماه از گیام پیروزمنده بهمن ماه نگذشته بود که روحانیت حاکم نجواهای زیرکانه حجاب اجباری در محل کار برای زنان را سرداد. همان محاوره آنکه از شکل لازم برای دفاع از حقوق خود و مقابل

علاوه بر کار شاقی که هر روز در کارخانه انجام می دهند ، بعد از اتمام کارشان نیز باید به کارهای خانه برسند ، سرراه برگشت حد اقل خوراکی تهیه کنند تا شام اندکی برای شوهر و بچه های شان بپزند ، ظرفها را بشویند ، رخت ها را بشویند ، رفت و روب کنند و بچه ها را تمیز کنند و ... شب هم دیرتر از بقیه افراد خسته و کوفته چند ساعتی بخوابند تا صبح کله سحر بتوانند دوباره به سر کار برگردند و باز روز از نو روزی از نو ، ایجاد مهد کودک ، غذاخوری های عمومی ، مراکز اجتماعی ، بهداشتی عمومی ، رختشویخانه های عمومی مجهز به وسائل مدرن و ...

باید جزو خواسته های اولیه کارگران باشد ، و زنان کارگر که خود تحت بیشترین فشارها قرار دارند ، بهترین مبارزین در این راه می توانند باشند ، شرکت آنها در شورا های کارگری علاوه بر اینکه لزوم مبارزه برای این خواسته ها (که بنفع کل طبقه کارگر اعم از زن و مرد خواهد بود) را برای کل طبقه کارگر مطرح خواهد کرد ، به زنان نیز می آموزد که در اتحاد با سایر کارگران است که می توانند مبارزات خود را به پیش برند ، زنان با شرکت در این گونه نهاد های مبارزاتی تجربه کسب می کنند و در آینده خواهند توانست مبارزات زنان را برای احقاق خواسته های ویژه خویش سازمان داد ، و به پیش برد بخش وسیعی از زنان نیز خانه دار هستند و مانند سایر خواهران شاغل خود درگیر کار و مبارزه در محیط اجتماعی نمی باشند ، در ایران این بخش بعلمت ، رجه بالای بیسوادی در زنان ، تاثیر سنت و مذهب که کار زن را مارتب به اراده مردم میکند جمعیت زیادی از زنان شهری را تشکیل می دهند ، آنان نیز باید یاد بگیرند در مبارزات اجتماعی ، تجربه لازم را برای پیشبرد مبارزات خود را بیابند و زنند .

زنان خانه دار با صلاحیت آری اتحاد در سازماندهی امور محلات هستند ، آنها بیش از همه با سرشناسان مواد غذایی سروکار دارند و به نیازهای اهالی محل بیشتر از مردان و زنان شاغل ، آشنائی دارند ، کمیته زنان خانه دار باید تقسیم مواد غذایی در محلات را برعهده بگیرد و مبارزه را در سطح محل برای ایجاد مهد کودک و رختشویخانه عمومی ، کتابخانه و مراکز بازی برای کودکان ، ... به پیش برد ، کمیته زنان خانه دار باید در ارتباط با شورا های کارگری نقش عمده ای در کنترل بالا رفتن قیمت ها و در نتیجه پیشبرد مبارزات کارگران برای خواست افزایش دستمزدها ، نشان متناسب با افزایش قیمت ها داشته باشد ، زنان خانه دار با درگیر شدن در این مبارزات پیوند ناگسستنی مبارزات خود را با سایر زحمتکشان درک کرده و از این طریق می آموزند که باید مبارزه مستقل خود همراه با زنان شاغل را برای خواسته های ویژه زنان سازمان دهند ، هم اکنون نیز در مناطقی جنگ زده و اردوگاه هایایی که برای اسکان آنان ترتیب داده شده ، زنان و کودکان بخش اعظمی از ساکنین را تشکیل می دهند ، زحمتکشان در آنجا نیز باید شوراهای خود را تشکیل داده و زنان نیز به سهم خود در این شوراها شرکت کنند ، آنان از عمق مشکلات موجود در اردوگاهها بیشتر واقفند و نقش بسیار موثری در رفع این مشکلات خواهند داشت ، زنان زحمتکش در آنجا نیز آموزش لازم جهت پیشبرد مبارزات خود و سایر زحمتکشان را خواهند آموخت ، از همان روزهای بعد از قیام و استقرار دولت موقت بخش

مساجد محلات ، تبلیغات مسموم خود را علیه زنان آغاز کرد و سعی نمود با استفاده از سطح یائین سواد در جامعه و نفوذ مذهب در توده ها توانین ارتجاعی خود را علیه زنان به انسان بقبولاند و پوششی شعوی برای آنها بیابد .

این حمله که در ابتدا بشکلی ظاهرا پیش با افتاد باز ممنوعیت زنان از شنا در دریا آغاز شد ، بتدریج هرچه بیشتر تعمیق یافت ، قانون اساسی دست پخت خیرگان به تصریح ، مادری را مهمترین وظیفه زنان قلمداد نمود و ضمن حق ولایت فرزند ان را از مادران بعلمت ناقص انقل بودن گرفت ، حق طلاق غیر اسلامی تشخیص داده شد ، حق سقط جنین هم که قبلاد روزمان شریف امامی به مثابه تحفه ای به روحانیت ، از زنان گرفته شده بود .

در تابستان گذشته موج اخراج زنان از ادارات و مدارس و تحمیل حجاب بر زنان شاغل تحت عنوان انقلاب اداری آغاز گشت و از آن تاریخ تاکنون تعداد کثیری از زنان شاغل در ادارات مدارس ، ... بعلمت مختلف از قبیل آنکه شوهرشان کار می کند ! و یا عدم رعایت حجاب و یاد داشتن عقاید چپی اخراج و یا پاکسازی شده اند ، رژیم سعی کرد زنانی که به مقاومت علیه این حملات پرداختند با نام بختیاری ، طرفدار اشرف و القاب صد مرتبه رکیک تر ، از بقیه زحمتکشان و ستم دیدگان جدا کند .

و این توطئه ایست که زحمتکشان باید هشیارانه آنرا خنثی کنند ، زحمتکشان و بخصوص طبقه کارگر باید نقش مبارزات زنان را در پیشبرد مبارزه علیه سرمایه بشناسند ، زحمتکشان ایران باید بدانند که تبعیض و ستم بر علیه زنان ، مانند تبعیض و ستم بر علیه هر قشری در جامعه ، وسیله ایست در دست سرمایه داران برای حمله به کل زحمتکشان ، برای یائین نگاه داشتن سطح زندگی کل زحمتکشان ، زحمتکشان باید متحدانه از مبارزات زنان برای آزادی و مساوات پشتیبانی نمایند .

اکنون هم لایحه قصاص ، لایحه وحشیگری رژیم جمهوری اسلامی دست پخت آقای بهشتی در حال تصویب شدن است ، از ابعاد وحشیگری این لایحه بگذریم که برای جان انسانها قیمت تعیین کرده اند و خوب واضح است که به زعم این آقایان باید هم زنان نصف مردان بپارزند و مردان حق داشته باشند که زنان و فرزند ان خود را بقتل برسانند ، تصویب این لایحه ننگین ضرورت مبارزه بر علیه حملات هیات حاکم به زنان را ، و ضرورت مبارزه برای آزادی و برابری را صد چندان می کند .

ابزار مبارزه زحمتکشان بر علیه سرمایه سازماندهی و اتحاد است ، آنها باید خود را آماده کنند که مستقلا وارد این نبرد تاریخ ساز شوند ، زنان زحمتکش نیز علاوه بر اینکه در هر جایی که کار می کنند همراه با برادران زحمتکش خود وارد مبارزه اجتماعی می شوند ، باید در تدارک سازمانهای مستقل زنان برای مبارزه با تبعیض های اجتماعی که بر علیه زنان وجود دارد و اعسال می شود و مبارزه برای آزادی زن باشند .

در کارخانه هایی که بخشی از کارگران را زنان تشکیل می دهند ، باید کارگران زن در شوراها نمایندگی داشته باشند تا بتوانند خواسته های خود را در آنجا مطرح کنند ، زنان کارگر

جبهه اسلامی یا جبهه متحد کارگری ؟

ببرد ، و تمام مبارزاتش جهت حفظ سرمایه داری خواهد بود . چون که اکثریت آن در دست سازمان ها و نیروهای سرمایه داری خواهد بود .

نقش چنین جبهه‌ای نه حل بحران موجود بلکه ساختن نیرویی است که بتواند جای حزب در حال مقلشی شدن جمهوری اسلامی را که روز بروز منزوی تر و منززل تر و بی اعتبارتر می شود را بگیرد . آقای رئیس جمهور امیدوار است که جبهه‌ای تشکیل دهد که نیروهایی مانند سازمان مجاهدین خلق پایگاه و پشتیبانی توده‌ای برای آن فراهم آورند . و سازمان هایسی مانند نهضت آزادی ، جاما ، و دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهور سیاست های آن را جهت حفظ سرمایه داری ورشکسته ایران و سرکوب زحمتکشان تدوین کنند . چنین جبهه‌ای راهی نوین را برای سرکوب زحمتکشان خواهد گشود . نه برای حل بحران .

حل بحران احتیاج به جبهه‌ای دارد . که از سرمایه داری ببرد و سیاست های قاطعانه ضد سرمایه داری جهت حل بحران اتخاذ کند . چنین جبهه‌ای نمی تواند ، تشکل از احزاب سرمایه داری باشد . بلکه باید تماما متشکل از نیروهای مستقل از سرمایه داری و متکی بر زحمتکشان باشد . تنها یک جبهه متحد و سراسری کارگری قادر به مقابله با بحران خواهد بود . جبهه‌ای متشکل از سازمان های رزمنده و شوراهای کارگران و زحمتکشان و احزاب و سازمان های سیاسی متکی بر زحمتکشان و مسوول به آنها .

برنامه کارگران و زحمتکشان برای حل بحران ، که بنظر ما باید برنامه چنین جبهه‌ای نیز باشد ، بقرار زیر است :

۱- تشکیل شوراهای واقعی ، سراسری و مردمی کارگران ، دهقانان و همه زحمتکشان . بعنوان نهاد های مبارزه زحمتکشان بر علیه امپریالیزم ، استبداد و استثمار ، تحت رهبری طبقه کارگر .

۲- تسلیح عمومی و تعلیم نظامی کارگران ، دهقانان و زحمتکشان تحت کنترل شوراهای خودشان . برای مبارزه موثر با امپریالیزم ، و ارتجاع داخلی .

۳- ایجاد میزان متناسب دستمزدها و ساعات کار برای مبارزه با تورم و بیکاری . کارگران مسوول بحران سرمایه داری نیستند . بار بحران باید بر دوش سرمایه داران بیفتد نه بر دوش کارگران . تعیین حداقل دستمزد ، ماهیانه ۲۵۰۰۰ -

ریال . دستمزدها باید بطور خود کار همراه با تورم بالا بروند . متوقف کردن اخراج کارگران از کارخانه ها . استخدام و اخراج تحت کنترل شوراهای کارگری . اگر در کارخانه‌ای بعلمت پائین آمدن ظرفیت تولید ، کازبه اندازه کافی موجود نیست ، بجسای

اخراج کارگران باید ساعات کار پائین بیایند و کار موجود مابین همه کارگران تقسیم شود . بدون کم کردن یک شاهی از دستمزدها .

۴- اعمال کنترل شوراهای کارگری بر تولید . برای افزایش

بقیه در صفحه ۱۰

روز چهارشنبه ۲۲ بهمن ماه . آقای بنی صدر ، در سخنرانی خود به مناسبت دومین سالگرد انقلاب ، ضمن توضیح برخی از جوانب بحران اقتصادی - سیاسی - اجتماعی کنونی ، در انتهای صحبت طولانی خویش راه حلی نیز برای مقابله با این بحران پیشنهاد کرد . و آن اینکه ملت ما باید در یک جبهه اسلامی متحد بشود . ایشان در سخنرانی خود روشن نکردند مقصود از جبهه اسلامی دقیقا چیست . و چه نیروها ، سازمان ها و احزایی می توانند در آن شرکت کنند ، و برنامه آن چه باید باشد . ولی از آنجا که این تنها راه حلی است که ایشان در مقابل بحران خانمانسوز ارائه کردند ، و بنظر ضرورت می رسد برنامه اساسی ایشان در دوران آتی باشد ، ضرورت دارد که بر اساس همان کلمات محدودی که ایشان در باره اش گفتند آن را بشکافیم :

" فکر می کنم برای آنکه این حقوق و این سخن ها به اجرا درآید در ضمن یک سال ، بلکه دو سال گذشته بی دریغی کوشیده و گفته ام که این ملت باید در یک جبهه بزرگ اسلامی متحد شود . و امروز شما می گویم در حول این برنامه " (کدام برنامه ؟) " و برای پاسداری از دست آورد های انقلاب اسلامی ما همه باید در یک جبهه اسلامی با حقوق برابر و مساوی در اداره امور شرکت کنیم بلکه بتوانیم بر بحران ها غلبه کنیم . برای ایجاد آن نیز با تمام قوا کوشیدم و باز هم خواهم کوشید . " از این سخنان روشن است مقصود از جبهه اسلامی همان جبهه‌ای است که ایشان ، و نهضت آزادی و سازمان مجاهدین خلق ایران مدت ها پیش ، در زمان " انقلاب فرهنگی " در جریان ایجاد آن بودند . برنامه‌ای که با حملات شدید حزب جمهوری اسلامی متوقف شد و عقیم ماند . ولی واضح است که اکنون ، با منزوی شدن روز افزون حزب جمهوری اسلامی ایشان در موقعیت بهتری هستند که در جهت اجرای آن قدم بردارند . آنچه روشن است اینست که منظور ایشان از جبهه بزرگ اسلامی جبهه‌ایست مرکب از نیروهایی مانند دفتر هماهنگی ریاست جمهوری با مردم ، نهضت آزادی ، سازمان مجاهدین خلق ایران ، بخشی از روحانیت که حاضر به شرکت در چنین ائتلافی باشد ، و برخی نیروهای دیگر از قبیل جبهه ملی ، جاما و غیره . یعنی جبهه‌ای مرکب از چندین سازمان سیاسی عمده ، سرمایه داری بعلاوه سازمان مجاهدین خلق ایران . جبهه‌ای که اکثریت آن در دست احزاب و سازمان های سرمایه داری خواهد بود .

از همین حالا به روشنی می توان دید که چنین جبهه‌ای بهیچ وجه قادر به مقابله با بحران نخواهد بود . اولین قدم برای حل بحران کنونی بردن از سرمایه داری ، و ریخته گسین کردن سرمایه داری در مملکت است . تنها با از میان رفتن حاکمیت سرمایه بر زندگی اجتماعی ، و استقرار حاکمیت زحمتکشان بر جامعه می توان شرایط مقابله با بحران را فراهم نمود . ولی جبهه اسلامی آقای بنی صدر نمی تواند از سرمایه داری

آزادی زنان

مستقل زنان برای رفع ستم مضاعفی که در جامعه بر آنان وارد می شود، هرچه بیشتر آشکار می شود.

مبارزات زنان با مبارزات طبقه کارگر پیوند خورده است، و موانع اصلی در راه پیشبرد این مبارزه با نابودی نظام سرمایه بدست پرتوان طبقه کارگر برداشته می شود. بدین دلیل زنان طبقه کارگر نقش بسیار مهمی در پیشبرد مبارزات زنان و گسترش شکل و سازماندهی آن ایفا می کنند. زنان سوسیالیست باید در این راه پیشقدم شده و با درک لزوم ایجاد سازمان مستقل زنان که بتواند جوابگوی نیاز مبارزات زنان کارگر، خانه دار، معلم، کارمند، پرستار... باشد اقدام به ایجاد این شکل نمایند.

۱۷ اسفند روز جهانی زن در پیش است. تدارک برای برگزاری هرچه باشکوه تر این روز می تواند زمینه مناسبی برای وحدت و تشکل زنانی که خواهان ابراز اعتراضات خود علیه این نابرابری ها هستند، ایجاد کند و تجربه ای باشد برای همکاری بین سازمان های پراکنده زنان که علیرغم حملات سرکوبگرانه رژیم نتوانسته اند تا حدودی تشکل خود را حفظ کرده و تداوم مبارزه تا احقاق کلیه خواسته های زنان در جامعه را خواهند داشت.

پیش بسوی برگزاری هرچه باشکوه تر روز جهانی زن
پیش بسوی ایجاد سازمان مستقل زنان برای پیشبرد مبارزات زنان

نسبتا وسیعی از زنان شهرها و بخصوص تهران لزوم مبارزه علیه حملات بیایی دولت جمهوری اسلامی به حقوق زنان و اعمال ستم روزافزون برای قشر ستم زده جامعه را درک کرده بودند. و در این رابطه سازمانهای زنان متعددی شکل گرفت. که البته بدلیل آنکه این سازمانها تحت الشعاع برنامه گروههای سیاسی ای بودند که لزوم مبارزه مستقل زنان را برای احقاق خواسته هایشان و پیشبرد مبارزه طبقاتی درک نکرده بودند، آنها عملا نقش سازمانهای وابسته گروههای سیاسی و در واقع به کلوب عضوگیری آن گروهها تبدیل شدند. و بدین ترتیب نتوانستند نقش موثری در سازمان دهی توده زنانی که خواهان مبارزه برای خواسته هایشان بودند داشته باشند. و علیرغم کوششهایی که در راه اتحاد و استحکام بخشیدن مبارزات زنان شده مانند کمیته همبستگی زن، ایمن سازمانها نتوانستند راه بجائی ببرند. با افزایش حملات هیات حاکم توده زنان که از سازماندهی و برنامه مبارزاتی لازم برخوردار نبودند نتوانستند مقاومت چشمگیری در مقابل آن سازمان دهند. و هم اکنون بخش وسیعی از آنان دچار دل سردی و روحیه تسلیم بشرایط موجود شده اند. امروزه باز هم بیش از پیش لزوم تشکل

هروری پر

مدافع منافع سرمایه داران از تدوین یک طرح جدید طبقه بندی مشاغل که در برگیرنده منافع کارگران باشد کاملاً عاجز است و فقط شوراهای و مجامع عمومی کارگران و مبارزات مستقل کارگری قادر به انجام چنین امری می باشد. امروز وقت آن رسیده که تجربه فرد فرد شوراهای کارخانجات در امر تدوین طرح طبقه بندی مشاغل مورد ارزیابی و استفاده کلیه کارگران قرار گیرد. برای این منظور می باید کنفرانس نمایندگان شوراهای کارگران در سطح شهرها فراخوانده شوند. در چنین کنفرانس هایی است که کارگران می توانند به ارزیابی و انتقاد خود از طرح های رنگارنگ و ضد کارگری دولت و کارفرمایان بپردازند و راه حل انقلابی خود را عرضه نمایند.

استعفای مدبرعامل منتصب دولت گردید و سازمان چریک های فدایی خلق (اکثریت) را نیز که مبتلا به تنگ نظری خسرده بورژوازی هستند دچار آنچنان وحشتی نمود که مجبور شدند در نشریه کار، شماره ۷۵، مورخه ۱۹/۶/۵۹ هول و هراس خود را چنین توصیف و توجیه نمایند:

"اما میزان و ضریب این افزایش حقوق به حدی بالا بود که حتی کارگران نیز آنان را غیر معقولانه می دانستند و با ناپاوری با آن برخورد می کردند!"

واقعیت دو سال گذشته بخوبی نشان می دهد که دولت

**برای چاپ و پخش
کارگران سوسیالیست
به کمکهای مالی شما
نیازمندیم.**

کارگران مبارز،
با توجه به بحران جامعه و ناتوانی هیات حاکم در رفع آن، مخارج چاپ و پخش نشریات همچون سایر مایحتاج زندگی بشکل سرسام آوری بالا رفته است. ما برای اینکه بتوانیم نشریه کارگران سوسیالیست را بطور مرتب بدست شما کارگران مبارز و زحمتکش برسانیم احتیاج به کمک های مالی شما داریم.
نشریه کارگران سوسیالیست، نشریه ای است در خدمت پیشبرد مبارزات کارگران و زحمتکشان، نشریه ای است که برای کارگران مبارز و به کمک آنان نوشته می شود. اگر خواهان چاپ و پخش مرتب آن هستید کمک های مالی خود را از طریق فروشندگان نشریه بدست ما برسانید.

سود ویژه و ضرورت

گشودن دفاتر دخل و خرج سرمایه داران

طبقاتی، نتیجه، چنین سیاست جنایتکارانه‌ای چیزی جز متوقف شدن تولید یا تولید زیر ظرفیت در اکثر صنایع تولیدی نخواهد بود. نتیجه، چنین سیاست جنایتکارانه‌ای چیزی جز بیکاری روزافزون، افزایش سرسام‌آور هزینه، زندگی و گسترش فقر و فلاکت عمومی نخواهد بود.

رژیم سرمایه داری با لغو قانون پرداخت سود ویژه از اعلام ترازنامه، ورشکستگی نظام سرمایه داری و سیاست‌های خود طفره می‌رود. از نظر کارگران سود ویژه تنها بخشی از دستمزد سالیانه آنها است. کارگران آگاه و مبارز صرف نظر از آنکه سود سرمایه داران افزایش یافته است یا کاهش، زیر بار حذف بخشی از دستمزد سالیانه خود — به بهانه آنکه چون کارخانه سود ندارد، پس سود ویژه‌ای هم به کارگران تعلق نمی‌گیرد — به هیچ عنوان نخواهند رفت.

اگر تولید سود آور نبوده است، مسئولیت آن با کارگران نیست. سود ویژه بخشی از دستمزد سالیانه کارگران است و در هر حال باید پرداخت شود.

مسئولیت کاهش تولید و یا سود با کارگران نیست. با سرمایه داران، کارفرمایان و مدیران دولتی یا خصوصی صنایع است. مدیریت دولتی و یا خصوصی کارخانه مسئول کاهش سود و یا ضرر کارخانه هستند، نه کارگران سرمایه داران و دولت آنها باید بهای مدیریت غلط مدیران دست نشانده خود را بپردازند. کارگران در هر حال باید آن بخش از دستمزد سالیانه خود را که تحت عنوان "سود ویژه"، "عیدی" و "پاداش" پرداخت می‌شود، دریافت کنند. بوسیدگی و ورشکستگی نظام سرمایه داری به آنها ارتباطی ندارد.

مسئولیت کاهش تولید و یا کاهش سود با سرمایه داران مدیران دولتی و یا خصوصی و دولت مدافع منافع سرمایه داران است. دولت مدافع منافع سرمایه داران، با عدم استقرار انحصار دولتی بر تجارت خارجی در تهیه مواد اولیه خرابکاری کرده است. مدیریت دولتی و یا خصوصی خرابکاری در فعالیت‌های شورای نمایندگان منتخب کارگران، در تولید خرابکاری کرده است. مدیران دولتی جهت بر کردن جیبهای خود، مواد اولیه را به قیمت ارزان فروخته‌اند و به قیمت‌های گزاف خرید می‌مانند. محصولات تولید شده را از بازار از قیمت واقعی آنها فروخته‌اند و با حساب سازی صنایع را به ورشکستگی کشاند. سرمایه داران مفتخور و انگل با خسار کردن سرمایه هایشان از تولید و خارج کردن آنها از کشور صنایع را به ورشکستگی کشاند. مسئولیت کاهش تولید و ورشکستگی صنایع با سرمایه داران، دولت حافظ نظام سرمایه داری و مدیران دولتی و خصوصی است.

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی تهاجم خود را به سطح زندگی طبقه کارگر گسترش داده است. این بار هدف تهاجم رژیم سرمایه داری سطح دستمزدهای سالیانه طبقه کارگر است. مصوبه شورای انقلاب در ۲۳/۴/۵۹ سود ویژه را از دستمزد سالیانه کارگران حذف می‌کند و لایحه جدید دولت که هنوز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است، با لغو مصوبه شورای انقلاب دو ماه حقوق که تحت عنوان "عیدی" و "پاداش" پرداخت می‌شد، از دستمزد سالیانه کارگران حذف می‌کند. هدف رژیم سرمایه داری کاهش دستمزد آنها در هر حال می‌خواهند یا از پرداخت "سود ویژه" سرباز بزنند یا از پرداخت دو ماه حقوق که بعنوان "عیدی" و "پاداش" هر ساله پرداخت می‌شد.

طبقه کارگر باید در برابر تهاجمات سرمایه داری از سطح زندگی خود دفاع کند. هم‌اکنون افزایش هزینه زندگی (که میزان سالیانه آن بیش از ۱۰۰٪ تخمین زده می‌شود) به میزان قابل توجهی سطح زندگی طبقه کارگر را کاهش داده است. نه تنها کاهش دستمزدها، یا حذف بخشی از دستمزد کارگران تحت هر عنوانی که بیان شود، از نظر کارگران غیر قابل قبول است، بلکه کارگران باید برای افزایش دستمزد آنها متناسب با افزایش هزینه زندگی مبارزه کنند.

تهاجم دولت سرمایه داری به سطح زندگی و دستمزدهای طبقه کارگر، برای حفظ نظام بوسیده سرمایه داری از ورشکستگی کامل صورت می‌گیرد. تهاجم سرمایه داری به سطح زندگی و دستمزدهای طبقه کارگر به عبارتی بیان بوسیدگی و ورشکستگی نظام سرمایه داری است. طبقه کارگر باید با باز کردن دفاتر دخل و خرج شرکت‌های سرمایه داری ترازنامه ورشکستگی نظام سرمایه داری را بیرون بکشد.

جنبش ضد استبدادی و ضد سلطنتی کارگران زحمتکش و ستم‌دیدگان جامعه که به قیام پیروزمند ۲۲ بهمن ماه ۵۷ منجر شد، در زمینه بحران عمیق سرمایه داری شکل گرفت. انقلاب ایران ضرورت پایان بخشیدن به نظام بحران زای سرمایه داری و برنامه ریزی اقتصاد و در خدمت منافع جامعه را نشان داده است. کوشش‌های رژیم جمهوری اسلامی در حفظ نظام سرمایه داری به عامل تشدید بحران اقتصادی، از هم پاشیدن کامل شیرازه تولید و گسترش فقر و فلاکت عمومی تبدیل شده است.

در شرایط بحران انقلابی نمی‌توان به شیوه‌های سرمایه داری به تولید ادامه داد. هدف دولت سرمایه داری نیز به شکست کشاندن انقلاب ایران و بازسازی دوباره نظام سرمایه داری بر ویرانه‌های این انقلاب است. تا زمانی که انقلاب ایران زنده است و طبقه کارگر در صحنه مبارزه

سود ویژه و ...

در شرایطی که کمبود مایحتاج عمومی کاملا واضح است. شرایطی که بسیاری از کالاها مورد نیاز زحمتکشان نایاب است کاهش تولید ضرورت پایان بخشیدن به هرج و مرج سرمایه داری ضرورت پایان بخشیدن به نظام غیر منطقی و بوسید سرمایه داری را نشان می دهد.

سرمایه داری با لغو قانون سود ویژه، نه تنها تهاجم خود را به سطح دستمزدهای طبقه کارگر سازمان می دهد، بلکه می خواهد ورشکستگی و بوسیدگی نظام خود را از چشم زحمتکشان پنهان کند. در هر صورت نباید حتی یک سال عم از میزان واقعی دستمزدها کم شود. میزان دستمزد سالیانه طبقه کارگر، هر عنوانی که می خواهند رویش بگذارند ("سود ویژه"، "عیدی"، "پاداش" و غیره و غیره) نباید کاهش یابد. ارزش مبلغ پرداختی به کارگران در آخر سال ۵۹ با در نظر گرفتن میزان افزایش هزینه زندگی نباید نسبت به میزان پرداختی در آخر سال ۵۸ کمتر باشد.

در هر حال چه قانون "سود ویژه" لغو بشود و چه لغو نشود، کارگران باید ترازنامه ورشکستگی سرمایه داری را بیرون بکشند. باید دفاتر دخل و خرج سرمایه داران توسط شوراهای نمایندگان منتخب کارگران باز شوند و به حساب و کتاب سرمایه داران و مدبران دولتی رسیدگی شود. میزان سرمایه های که از تولید خارج شده اند، از کشور خارج شده اند باید اعلام شود. حساب سازی های سرمایه داران برای فرار از پرداخت مالیات و حق بیمه کارگران، و حساب سازی های مدبران دولتی برای برگردن جیب های خود شان و دوستانشان باید روشن شود. باید برای همه روشن شود، در شرایطی

که کالاهای مورد نیاز زحمتکشان به اندازه کافی در بازار وجود ندارد و یا اصلا پیدا نمی شود چرا سرمایه داری قادر به تولید مایحتاج عمومی نیست؟

باز کردن دفاتر حساب و کتاب سرمایه داران، ضرورت استقرار کنترل کارگری بر تولید را نیز نشان خواهد داد. نشان خواهد داد که بدون استقرار کنترل کارگری بر تولید، شیرازه تولید اجتماعی از هم خواهد پاشید و فقر و فلاکت عمومی گسترش خواهد یافت. بدون کنترل کارگری بر تولید، نیروهای طبقه کارگر در زیر فشارهای بحران اقتصادی فرسوده خواهند شد و سرمایه داری راه حل های خود را به انقلاب ایران تحمیل خواهد کرد بدون کنترل کارگری بر تولید. سرمایه داری انقلاب را به شکست خواهد کشاند و بر ویرانه های آن بساط دزدی و چپاول را دوباره برقرار خواهد کرد.

در برابر سیاست های جنایتکارانه سرمایه داری، در برابر تهاجم سرمایه داری به سطح دستمزدها و سطح زندگی کارگران، طبقه کارگر باید کلبه نیروهای پراکنده خود را بدور برنامه عمل انقلابی طبقه کارگر متحد کند. برگزاری کنگره سراسری شوراهای برای تدوین برنامه مبارزاتی طبقه کارگر، برای ارائه راه حل های کارگری در برابر بحران سرمایه داری، برای متحد کردن صفوف پراکنده جنبش کارگری ضروری است. چنین کنگره ای بر ضرورت دفاع از سطح زندگی و دستمزدهای طبقه کارگر در برابر تهاجمات سرمایه داری تاکید خواهد گذاشت چنین کنگره ای بر ضرورت تعیین حد اقل پرداختی به کارگران در پایان سال ۵۹ - تعیین حد اقل دستمزدها - افزایش دستمزدها متناسب با افزایش هزینه زندگی - باز کردن دفاتر حساب و کتاب سرمایه داران - کنترل کارگری بر تولید - ۶ - ۰۰۰ بی خواهد برد.

جبهه اسلامی

تولید و تنظیم تولید مطابق نیازهای ملکت، برای جلوگیری از احتکار مواد اولیه و محصولات، برای جلوگیری از حاصلات و خرابکاری های سرمایه داران، برای بالا بردن کیفیت تولید باید تمام سطوح تولید مستقیما تحت کنترل شوراهای کارگری قرار گیرد. چشم های تیز بین کارگران باید دفاتر حساب و کتاب سرمایه داران را بررسی کنند و حیف و میل ها و نساوارت عاشر موجود را افشا کرده و ریشه کن کنند.

تمام زمین ها باید تحت کنترل شوراهای مسلح دهقانی، مابین دهقانان فقیر تقسیم شوند. کشاورزی سلکت باید تحت کنترل شوراهای دهقانی سازمان یابد. این تنها راه

خروج از بحران کشاورزی است.

شوراهای سراسری کارگران، دهقانان و کلیه زحمتکشان باید با یکدیگر متحد شوند و تمام قدرت در جامعه شوراهای زحمتکشان منتقل شود. دولت شورایی زحمتکشان تنها دولتی است که قادر به مقابله با بحران کنونی است.

ما از تمام سازمان ها و احزاب کارگری و انقلابی مخصوصا سازمان مجاهدین خلق ایران، و سازمان جریک های فدایی خلق ایران دعوت می کنیم از سازش با احزاب و سازمان ها و نیروهای سرمایه داری بپرهیزند. و برای مبارزه قاطع با امپریالیزم و سرمایه داری و تمام مدافعان و ارباب های سیاسی آنها، برای ایجاد چنین جبهه ای مبارزه کنند.

تشکیل کنگره سراسری شوراهای کارگری

وظیفه مبرم در دفاع از انقلاب

مروری بر

مسئله طبقه بندی مشاغل

رشد صنعتی که طی بیش از دو دهه گذشته در ایران صورت گرفت و به استقرار سرمایه داری ناص الخلقه کنونی انجامید. مشکلات فراوانی را بوجود آورد که خود از حل آنها عاجز ماند. در این دوره وزنه عدوی کارگران صنعتی افزایش یافت. مشاغل صنعتی متفاوتی پدیدار شدند و لزوم تعیین طبقه بندی و ارزشیابی کیفیت و کمیت کارها و مشاغل متفاوت و در نتیجه ارزیابی اجرت مشاغل مربوطه مطرح گردید. ولی لا ینحل باقی ماند. نتیجه این شد که اولاً ارزش مشاغل از نقطه نظر دستمزدها و مزایایی که بدانها تعلق می گرفت کاملاً پائین تر از ارزش معمول آنان بحساب می آمد و طبیعتاً این امر باعث تشدید غارت و استثمار کارگران می گردید و دوماً بسیاری کارها و مشاغل مشابه حقوق مساوی پرداخت نمی شد که این نیز باعث ایجاد و تشدید تبعیض در مورد دستمزدها می شد و به حاد شدن رقابت در بین کارگران می انجامید.

با به حرکت در آمدن مبارزات کارگری از بعد از شهریور ۵۷ و با سرنگونی رژیم سلطنت در جریان قیام بهمن، شرایط مساعدی برای کارگران فراهم گردید تا برای بهبود شرایط کار و شرایط فروش نیروی کار خود به مبارزه برخیزند. بنابراین طرح جدید طبقه بندی مشاغل و اجرای فوری آن به یکی از شعارهای مبارزه کارگران مبدل شد. مفهوم این شعار از دیدگاه کارگران در آن واحد هم تعیین و افزایش حداقل دستمزد، افزایش دستمزدها از بین بردن تبعیض و رقابت در بین صفوف آنان را در بر می گیرد.

اما دولت بعد از قیام بهمن، تاکنون هیچ گونه تقدم جدی که متضمن منافع کارگران باشد، برنداشته است. طبق گفته معاون وزیر کار، در فروردین ماه امسال طرح قانونی "ارزشیابی کار کارگران" توسط دولت تهیه و سپس به تصویب شورای انقلاب رسید. و در تاریخ ۹ شهریور همین سال توسط معاون وزیر کار اعلام گردید. در طرح پیشنهادی و مصوبه دولت "به هر یک از عوامل نظیر میزان علاقه به کار، میزان تولید، احساس مسئولیت و مرتب بودن، امتیازی تعلق میگیرد" (نقل از نشریه بازوی انقلاب، شماره ۲۶، مورخه ۲۴/۶/۵۹) مقامات وزارت کار ادعا کردند که برای تهیه طرح مزبور از کارگران و شوراهای آنان نظرخواهی بعمل آوردند. اما واقعیت بوضوح نشان می دهد که معیار و ملاکی که برای ارزشیابی کار و بعنوان مبنای طبقه بندی مشاغل در نظر گرفته شده فقط می تواند از ذهن سودجوی سرمایه داران، مدیران و سرپرستان تراوش کند و بادست دیوانسالاران وزارتخانه های نظیر وزارت کار و وزارت صنایع و معادن تدوین گردد و گرنه بجای معیار "میزان تولید"، سبک و سنگین بودن کار، خطرات ناشی از کار، تخصص و مهارت و سال های خدمت کارگران را ملاک ارزشیابی کار قرار می دادند. از این گذشته

استفاده از معیار "علاقه به کار" برای تعیین میزان دستمزد کارگران و آنهم در جامعهای که افراد نه براساس علاقه شخصی بلکه بحکم فشار اقتصادی و به اقتضای زندگی مجبور به انتخاب کار و شغل خود می گردند، کاملاً مردود است. بعلاوه منظور سرمایه داران و دولت مدافع آنان از معیار "احساس مسئولیت و یا "مرتب بودن" چیزی بجز تبعیت بی چون و چرا و اطاعت کورکورانه کارگران از دستورات کارفرمایان نیست. بنا به این معیارهای دولت، کارگرانی که خواهان احتیاق حقوق خود هستند و برای پیشبرد مبارزات خود دست به اعتصاب می زنند و به تحصن در کارخانه و یا راهپیمایی در خیابان میسازند نمایند. فاقد "احساس مسئولیت" و افرادی "نامرتب" محسوب خواهند شد و مستوجب هرگونه مجازات.

البته کارگران تاکنون برای دست یافتن به یک طرح مطلوب طبقه بندی مشاغل مبارزه کرده اند و تجارب چشمگیری را در این زمینه بدست آورده اند. که مبارزه شورای کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران، شورای تراکتور سازی تبریز و شورای کارخانه ترموفریک قزوین و شورای پالایشگاه آبادان و کارخانه سیمان ری از این جمله اند.

در طرح پیشنهادی "شورای اسلامی کارگران پالایشگاه آبادان و خدمات و بندر صادراتی ماهشهر - مرکزی" (که در نشریه خبر کارگر، شماره ۹، مورخه اردیبهشت ۵۹ به چاپ رسیده است)، حداقل پایه حقوقی برای کارگران ۳۰۷۸ تومان در نظر گرفته شده است. و این در حالی است که حداقل دستمزد مصوبه دولت جمهوری اسلامی روزانه ۶۳۵ ریال و ماهیانه ۱۹۰۵ تومان می باشد. در این طرح پایه حقوق کارگران به کارمندی تبدیل شده و در آن آمده است که "برای از بین بردن تبعیض باید کلیه فوق العاد معایی که به کارمندان پرداخت می شود به کارگران هم پرداخت گردد و به پایه حقوق تعیین شده اضافه شود." بطور کلی در این طرح تنها سه معیار برای ارزشیابی کار در نظر گرفته شده است که عبارتند از: سنوات خدمت، ارزش مهارت (رتبه) و ارزش تحصیلی (مدرك تحصیلی).

بنابراین طرح حقوق يك کارگر از مجموع سه قلم که بشرح زیر محاسبه می شوند، تشکیل می گردد:

* پایه حقوق بر حسب سنوات خدمت
 ریال ۳۰۷۸۰ × (۲۶۹ / ۵) × (۳ - سالهای خدمت)
 * ارزش مهارت یا رتبه: جمعا ۱۰ رتبه، از رتبه ۱ تا ۱۰ روزانه ۲۰ ریال؛

از رتبه ۲ تا ۴ به ازای هر افزایش رتبه روزانه ۳۰ ریال
 از رتبه ۴ تا ۷ به ازای هر افزایش رتبه روزانه ۲۰ ریال
 از رتبه ۷ تا ۱۰ به ازای هر افزایش رتبه روزانه ۱۵ ریال
 * ارزش تحصیلی: در برابر هر کلاس سواد ۱۰ ریال در روز به حقوق کارگر اضافه می گردد.

در طرحی که توسط شورای کارگران کارخانه سیستان ری تدوین گردید، موازین و ضرایب حقوقی آنگنان تعیین گردید که به دستمزدها به میزان ۲۰ تا ۷۰ درصد افزوده شدند و میانگین افزایش دستمزد به ۵۰۴۵ درصد رسید این امر منجر به بقیه در صفحه ۸

چرا دولت جمهوری اسلامی اسناد ساواک را مخفی می‌کند؟

اخیرا سازمان مجاهدین خلق ایران . در نشریه مجاهد شماره ۱۰۹ . سندی منتشر کرده است که ارتباط نزدیک آیت الله دکتر بهشتی را با رژیم گذشته اثبات می‌کند . این سند نامعای است از مجلس سنا به شهرتانی کل کشور . که برای اطلاع آن آن دسته از خوانندگان که هنوز آن را ندیده‌اند در زیر چاپ می‌کنیم .

مجلس سنا

ریاست محترم شهرتانی کل کشور

برای انجام امور شرعیی مسلمانان مقیم هامبورگ و تنظیم کارهای مسجدی که در آن شهر ساخته می‌شود . از طرف آیت الله العظمی آقای خوانساری دامت برکاته . آقای محمد حسینی بهشتی در نظر گرفته شد و مراتب به شرف‌عرض پیشگاه مبارک ملوکانه نیز رسیده است و امر فرمود ماند تسهیلات لازم در اعزام مشارالیه به محل فراهم گردد . علیهذا خواهشمند است دستور فرمایند نسبت به صدور گذرنامه‌ی مسافرت آقای بهشتی اقدام نمایند که ایشان بتوانند زودتر به هامبورگ عزیمت و به انجام وظایف محوله بپردازند .

رئیس مجلس سنا

مهندس شریف امامی

امضاء

عینا به اداری گذرنامه

امضاء

این سند نه تنها ارتباط آقای بهشتی را با رژیم گذشته به روشنی نشان می‌دهد بلکه تا حد زیادی نشان می‌دهد که ایشان (که بدرستی متخضر . بند و بست با شیطان بزرگ و شرکا نام گرفته‌اند) در مدت اقامت طولانی خویش در آلمان غربی واقعا به چه کاری . و در خدمت چه کسانی اشتغال داشته‌اند !

انتشار اسناد ساواک و تمام اسناد محرمانه رژیم پهلوی از آغاز انقلاب ایران یکی از تقاضاهای مرکزی زحمتکشان بود . شعار " اسناد ساواک را منتشر کنید ! " یکی از شعارهایی بود که تقریبا تمام سازمان‌های مبارزاتی و سیاسی زحمتکشان در مرحله‌ای آنرا مطرح کردند .

علت اهمیت زیاد این تقاضا کاملا روشن است . چون از ضروریات بسیار مبهم مبارزه با ضد انقلاب است . برای مبارزه با ضد انقلاب باید تمام ایادی و مهره‌های اصلی رژیم گذشته را شناخت . و دست همه آنها را از امور کوتاه کرد . چون کارگزاران اصلی ضد انقلاب همان ایادی رژیم گذشته هستند .

دولت موقت . و تمام دولت‌های بعد از آن ابتدا ایسن تقاضای انقلابی توده زحمتکش را کاملا نشنیده گرفتند و بعد در

مقابل فشار توده‌های انواع و اقسام بهانه‌های مختلف برای اثبات اینکه این اسناد نباید منتشر بشود را تراشیدند .

علت این امر از همان ابتدا برای انقلابیون سوسیالیست کاملا آشکار بود . رژیم جمهوری اسلامی نه می‌خواست و نه می‌توانست از امیرالیزم و رژیم گذشته ببرد . از یک طرف بسیاری از مهره‌های مرکزی این رژیم . از مدت‌ها قبل با سرمایه داری ایران و رژیم شاهنشاهی پیوند نزدیک داشتند . و از طرف دیگر کوشش این دولت نوین سرمایه داری این بود که . برای دفاع از سرمایه داران و سرمایه داری ایران . تا آنجا که ممکن است نظام گذشته را دست نخورده باقی نگهدارد . همان ارتش و همان دستگاه را . منتها با نامی جدید بازسازی کند . ارتش را بکسک همان تیمسارهای سابق و سازمان ارشاد ملی را بکسک همان ساواکی‌های سابق بازسازی کند .

ولی این حقایق . که برای پنهان کردن آن رژیم تصنام اسناد ساواک را در محل‌های محرمانه . بایگانی و مخفی کرد رفته رفته آشکار می‌شوند . آخرین نمونه برملا شدن این حقایق همین اسنادی است که اخیرا سازمان مجاهدین خلق ایران در رابطه با آقای بهشتی . رئیس حزب حاکم برد دولت جمهوری اسلامی . و مرکزی ترین و پر قدرت ترین مهره - رژیم فعلی منتشر ساخته‌اند .

اگر دولت جمهوری اسلامی از همان ابتدا به خواست مردم پاسخ می‌داد و تمام اسناد محرمانه رژیم گذشته . و اسناد ساواک را منتشر می‌کرد . امروز از جمهوری اسلامی نام و نشانی باقی نمانده بود . هویت واقعی آیت الله بهشتی و تمام آیات عظام همانند ایشان همان روز اول برملا می‌شد . هویت واقعی آقایان بازرگان و امیران نظام و تمام دولت موقت (که بعدها در اثر تشدید تضاد های دورنی هیات حاکم . دانشجویان پیرو خست حزب جمهوری اسلامی افشا کردند) همان روز اول افشا می‌شد . و ماهیت واقعی دولت جمهوری اسلامی همان سند اول افشامی‌شد . واقعیتی را که امروز زحمتکشان ما تحت فشار حملات پیاپی دولت جمهوری اسلامی به حقوق زحمتکشان رفته رفته درک می‌کنند همان روز اول برملا می‌شد .

امروز زحمتکشان ایران می‌فهمند که با فشاری نکردن بسر تقاضای انتشار تمام اسناد ساواک و اسناد محرمانه رژیم گذشته چه اشتباه بزرگی بوده است . ولی هنوز این مطلب در دستور کار قرار دارد . هنوز ماهیت خیلی‌ها باید واقعا افشا شود . هنوز خیلی از قرارداد های محرمانه با امیرالیزم . که کماکان دست نخورده باقی مانده‌اند باید برای زحمتکشان روشن شوند . هنوز زحمت - کشان باید این شعار را مطرح کنند و برای آن مبارزه کنند . تمام اسناد ساواک را منتشر کنید ! تمام اسناد محرمانه رژیم گذشته را

منتشر کنید !